



روایتی از برگزاری افتتاحیه دومین رویداد توانمندسازی نوجوانان در حاشیه شهر مشهد

کتاب معرفی کن، پول دربیار!

گزارش روز

سندیه تاجی روزنامه نگار

سعید دانش آموز کلاس هشتم مدرسه سید محمد کسایی است. نزدیک دو سال از عضویتش در کتابخانه امیرحسین فردی می‌گذرد. چهار پنج بار در هفته به کتابخانه می‌رود و قسمت بازی های فکری کتابخانه از بوش های مورد علاقه اش است. «وقتی بوستر رویداد اول کارستان کتابستان را در گروه کتابخانه دیدم، مادرم گفت، سعید حتما شرکت کن و در حوزه کتاب خوانی و معرفی کتاب خودت را بکش بالا. من هم به ساخت کلیپ معرفی کتاب مشغول شدم و در رویداد شرکت کردم. دستمزدی که از این کار گرفته ام، شیرین ترین پولی بوده است که تا به حال داشته ام؛ چون هم برایش زحمت کشیده ام، هم در کنارش چیزهای جدیدی یاد گرفته ام.» سعید و خانواده اش آمده اند که ببانند در رویداد جدید چه کار باید بکنند. کتاب جدیدشان را هم انتخاب کرده اند.

باشند. حضور نداشتن بچه ها در میدان زندگی واقعی آسیب اصلی نظام آموزشی است. صرفا با اینکه کسی درس خوان

یا کتاب خوان باشد، توانمند نمی‌شود. ما برای تقویت توانمندی بچه ها از آن ها خواستیم که به ما کمک کنند؛ به آن ها گفتیم که برای معرفی کتاب های خوب به کمک احتیاج داریم. با این روش کتاب را بخواند و با کلیپ موبایلی معرفی اش کنید. بعد ما این کلیپ را از شما می‌خریم. این فلسفه خریدن مربوط به همان هدف «قرار گرفتن بچه هادر موقعیت های واقعی» است. خیلی از برنامه های فرهنگی در قالب جایزه و مسابقه و قرعه کشی و ایجاد رقابت و در نهایت برگزیدن یک یا چند اثر فعالیت می‌کنند. اما در این رویداد هدف این است که همه بچه های شرکت کننده مزد تلاش خود را بگیرند.

باید بگوییم که ما بچه ها را درگیر موقعیت های اجتماعی و واقعی نمی‌کنیم. آن ها آموزش می‌بینند و درس می‌خوانند و انگار جز این درس خواندن کار و هدف دیگری نباید داشته باشند.

آموزشی خودمان را آسیب شناسی کنیم، باید بگوییم که ما بچه ها را درگیر موقعیت های اجتماعی و واقعی نمی‌کنیم. آن ها آموزش می‌بینند و درس می‌خوانند و انگار جز این درس خواندن کار و هدف دیگری نباید داشته

برای تهیه گزارشی از افتتاحیه یک رویداد فرهنگی راهی سالن سینما مشکی مشهد شدیم. تصور می‌کردیم با جمع کوچکی از دانش آموزان روبه رومی‌شویم و نهایتا چند مسئول؛ اما در بدو ورود دمان دیدن جمعیتی شاد و مشتاق ورق را برگرداند و هر چه در ذهنمان بافته بودیم، پنبه شد. البته وقتی نام کتابخانه زنده یاد امیرحسین فردی در میان باشد، دلیل این اشتیاق و شلوغی را می‌توان دریافت؛ کتابخانه ای مردمی که الان عمومی و خودگردان فعالیت می‌کند و هزینه های آن از حق عضویت اعضا، برخی کمک های سازمانی و نیز کمک های خیران و نیک اندیشان تأمین می‌شود. مدل مسابقات کتاب خوانی و انجمن کتاب برگزار شده توسط این مجموعه، از نقاط قوت آن به حساب می‌آید. در ردیف انتهای سالن می‌نشینیم و زمانی که مجری از بچه های پرسد چه کسانی در رویداد اول، کلیپ معرفی کتاب ساخته اند، به دست های پر شماری که بالا می‌رود، نگاه می‌کنیم. به سراغ چند دانش آموز که در این طرح شرکت کرده اند می‌رویم و با آن ها هم کلام می‌شویم. نازنین و کوثر دو دانش آموز مدرسه فاطمه رستگار مقدم هستند. هر دو کلاس ششم اند و در رویداد اول طرح کارستان کتابستان شرکت کرده اند. وقتی از نحوه آشنایی نازنین با کتابخانه می‌پرسیم، می‌گوید یک روز که در خانه مادر بزرگش بوده با کارت کتابخانه او به کتابخانه می‌رود تا کتابی امانت بگیرد و بعد که متوجه می‌شود از تاریخ عضویت کارت گذشته است، خودش عضو کتابخانه می‌شود. با خنده و تعجب می‌پرسیم: مادر بزرگت هم عضوا این کتابخانه پرما چراست؟ در جواب با خنده غمگینی می‌گوید: بله خیلی کتاب می‌خواند. الان دیگر چشمانش نمی‌بیند. نازنین و کوثر که علاوه بر هم کلاسی بودن، فامیل هم هستند، از خاطرات خوششان از کتابخانه می‌گویند و اینکه چرا کتاب می‌خوانند. هدفشان از کتاب خوانی سفر به سرزمین های ناشناخته و شناختن آدم های نادیده است. آن ها کتاب هایی را که قرار است برای رویداد جدید معرفی کنند، انتخاب کرده اند و بی صبرانه منتظر شنیدن سخنان آقای سلطانی، مدیر کتابخانه، هستند تا ببینند که چه کاری باید انجام دهند.

رویداد اول و استقبال از رویداد دوم. این رویداد ها تا کجا ادامه خواهد داشت؟ سلطانی در این باره می‌گوید: ایده و طراحی کار با کتابخانه بوده و در بحث هزینه ها شهرداری منطقه ۴ در دوره اول حمایت کرده است. این نگاه که امور کتابخانه را در هر شکلی به بچه ها بسپریم، وجود دارد. در حوزه معرفی کتاب شاید این رویداد ها ادامه داشته باشد. اما در حوزه های دیگر هم قصد داریم که به تدریج بچه ها را وارد کارها را به آن ها واگذار کنیم. بعد از اتمام دوره اول و پرداخت دستمزد ها باز خورد های بهتر و بیشتری گرفتیم. حالا بچه ها دغدغه مدیریت خرج و مخارج را هم پیدا کرده بودند و برای پولی که با زحمت شخصی به دست آورده بودند، برنامه ریزی می‌کردند. موقعیت تصمیم گیری و انتخاب از همین کارهای به ظاهر کوچک برای آن ها ایجاد شد و با تمرین این موقعیت ها از سنین پایین این مهارت تقویت خواهد شد و در آینده گرفتن تصمیم های بزرگ را با چالش های کمتری همراه خواهد کرد.

از تحت تعلیم و آموزش قرار دهیم؛ اما دیدیم که بچه ها می‌توانند بهترین ایده پردازان یک کار و بهترین اجرا کنندگان باشند. بعد از اتمام دوره اول و پرداخت دستمزد ها باز خورد های بهتر و بیشتری گرفتیم. حالا بچه ها دغدغه مدیریت خرج و مخارج را هم پیدا کرده بودند و برای پولی که با زحمت شخصی به دست آورده بودند، برنامه ریزی می‌کردند. موقعیت تصمیم گیری و انتخاب از همین کارهای به ظاهر کوچک برای آن ها ایجاد شد و با تمرین این موقعیت ها از سنین پایین این مهارت تقویت خواهد شد و در آینده گرفتن تصمیم های بزرگ را با چالش های کمتری همراه خواهد کرد.

از کسانی که در این مسیر همراه کتابخانه بودند و در برگزاری این رویداد مشارکت کردند می‌پرسیم و اینکه با توجه به موفقیت



در نهایت تولید محصول و محتوا را تمرین کردند. دغدغه خانواده ها این است که بچه ها افزایش مجازی و سرگرم شدن با تلفن همراه دور باشند. اما با آموزش های صحیح می‌شود به نوجوان آموخت که می‌تواند در فضای مجازی خودش تولید کننده و ارائه دهنده یک تفکر باشد. نه صرفا مصرف کننده. در رویداد اول بعد از فراخوان و نام نویسی، دانش آموزان در پنج شش جلسه آموزش های فنی و سناریو نویسی دیدند و در نهایت هشتاد کلیپ معرفی کتاب تولید شد. ما شاهد یک تلاش خانوادگی بودیم و تعامل همه اعضای خانواده را با هم دیدیم. یکی از نتایج این رویداد این بود که توانمندی بچه ها را ثابت کرد. ما در اداره شهر و جامعه اصلا از ظرفیت آن ها استفاده نمی‌کنیم. آن ها همیشه شنونده اند و ما فکر می‌کنیم که باید دائم آن ها

کمبود دارو و هزینه های بالای درمان سرطان ناراضایتی بیماران را به همراه داشته است

سرطان گرانی دارو



غیرممکن یا بسیار دشوار است. اگر هم درمان ادامه پیدا نکند، منجر به متاستاز و پخش شدن تومورها در نقاط مختلف بدن می‌شود. وی می‌افزاید: زمانی هم هست که بیمار پول خرید دارو را هم دارد، اما به دلیل مشکلات مختلف در زمینه واردات و توزیع، دارو در کشور پیدا نمی‌شود و به هزار و یک رابطه و پارتی بازی نیاز دارد تا دارو را تأمین کند. بیمه در تأمین هزینه دارو تا حدودی کمک می‌کند، اما گاهی آن قدر بوروکراسی وجود دارد که باید عطای بیمه را به لقای آن بخشید. این داروها بسیار گران اند و هر سال چندین بار برای تأیید داروها باید به بیمه ها مراجعه کنیم. این بیمار سرطانی در ادامه می‌گوید: نباید از یاد برد مشهد با همه امکانات درمانی در زمینه آنکولوژی و شیمی درمانی، برای درمان بیماران سرطانی و پیوند، در زمینه دارو و پزشک و تجهیزات بیمارستانی در مقایسه با شهری مثل شیراز در رتبه پایین تری قرار دارد.

مسئولان وزارت بهداشت برای تأمین دارو راهکار مشخصی ارائه نمی‌کنند به سراغ یکی از پزشکان متخصص شهرمان می‌رویم که روزانه با جمع زیادی از بیماران سرطانی سروکار دارد. او پس از اصرارهای فراوانمان قبول می‌کند که با ما حرف بزند اما نام و نشانش منتشر نشود. این پزشک موضوع کمبود دارو را مشکل کشوری بیان می‌کند و می‌گوید: مشکل تأمین داروهای بیماران سرطانی، فقط مربوط به مشهد نیست. این مشکل کشوری است که مسئولان وزارت بهداشت و حوزه غذا و دارو باید پاسخگوی آن باشند. در این زمینه تجزیه ای عجیب و غریب وجود دارد که دود آن فقط به چشم بیمار می‌رود. مسئولان و متولیان حوزه دارو هم کاملا از این موضوع اطلاع دارند و معمولا راهکار مشخصی هم ارائه نمی‌کنند. وقتی هم که رسانه یا پزشکی این مسائل را مطرح می‌کند، متهم به تشویش اذهان می‌شود. او ادامه می‌دهد: مشکل

کردن نهادهای فرهنگی به مدرسه ها ضریب چند برابری به آن ها خواهد داد. چون پتانسیل فوق العاده مدرسه ها اعتمادی است که والدین به فعالیت های آن ها دارند. رویدادی که با موافقت و همکاری مدرسه صورت می‌گیرد، باعث اعتماد و مشارکت خانواده ها خواهد شد. کتابخانه، مدرسه، مسجد و فضا های ورزشی باید به هم متصل باشند تا ضریب مشارکتشان بالا رود. در همین محله «گاز» گفته شده است در سه مدرسه را در ساعات غیر آموزشی باز بگذارند تا مردم در حیاط مدرسه قدم بزنند و ورزش کنند، یا از نمازخانه مدرسه برای برپایی نماز استفاده کنند. اصلا مردم بروند و زیر سایه درخت های مدرسه استراحت کنند. می‌پرسیم بطور می‌شود این زنجیره های اتصال را در دیگر محلات و نقاط شهر هم ایجاد کرد؟ آیا به همکاری و هماهنگی نهاد های خاصی نیاز است؟ می‌گوید: خیر، اصلا نهادهای ورود نکنند، بهتر است. اتفاقات فرهنگی در بسترهای غیر رسمی و خودجوش مردمی شکل می‌گیرند.

آقای حاتمی در تمجید از چنین رویدادهایی به ما می‌گوید: برای یک نوجوان باید بستر دیده شدن فراهم کرد. وقتی که بستر مناسب نباشد و موقعیت خوبی برایش فراهم نشود، او به شکل دیگری به دنبال رفع نیاز دیده شدن خواهد رفت. حالا اگر این نیاز در بین همسالان خودش رفع شود هم نتایج برابرتی خواهد داشت.

این قضیه به هویت آن ها ربط پیدا می‌کند. این هویت یابی از هویت محلی (که من اهل کدام محل و کدام شهرم) شکل می‌گیرد تا هویت های بزرگ تر. این قبیل رویداد ها شبیه ریل گذاری هستند برای گذار هویت از هویت محلی تا رسیدن به یک هویت جهانی و بین المللی. نهادها در بهترین حالت ممکن اگر کاری نکنند، کافی است. سنگ اندازی ها و بهانه جویی ها در قالب بوروکراسی های بی فایده خود مانع چنین اتفاقات پرباری است.

کتابخانه، مدرسه، مسجد و فضا های ورزشی باید به هم متصل باشند تا ضریب مشارکتشان بالا رود. در همین محله «گاز» گفته شده است در سه مدرسه را در ساعات غیر آموزشی باز بگذارند تا مردم در حیاط مدرسه قدم بزنند و ورزش کنند

لطفاً نهادهای ورود نکنند!

در حاشیه مراسم از دکتر صادق حاتمی، مدیر ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد که به این رویداد دعوت شده و صحبتی صمیمانه با دانش آموزان و خانواده ها داشته است، از تأثیر فرهنگی اقداماتی نظیر این رویداد بردانش آموزان و خانواده ها پرسیدیم. او در پاسخ توضیح می‌دهد: وصل

کمبود داروهای پایه شیمی درمانی از گذشته بوده و هنوز هم رفع نشده است. از طرفی داروهای اصلی که سازگاری با افراد دارند، وارد کشور نمی‌شوند و به جای آن ها، داروهای ژنریک به بازار می‌آیند که با وجود تأییدیه های وزارت بهداشت، کیفیت خوبی ندارند و مشخص نیست بعضی از آن ها چه مسیری را برای تأیید پیغامده اند تا به دست بیمار برسند. این پزشک متخصص بیان می‌کند: کمبود داروهای صورت دوره ای وجود دارد و شرکت های دارویی هم در این مورد توجیهات خود را دارند. گاهی می‌گویند ماده اولیه آن ها اجازه ورود پیدا نکرده است. گاهی هم موضوع ارز و گمرک را پیش می‌کشند، ضمن اینکه ارز مورد نیاز برای تأمین دارو روز به روز کمتر می‌شود و تعداد بیشتری از دارو ها از شمولیت ارز با قیمت های دولتی خارج می‌شوند. قیمت دارو ها هر روز گران تر می‌شود و حتی اگر تحت شمول بیمه ها باشند، میزان پایه بیمه ها برای آن ها تغییر نمی‌کند و در نهایت این بیمار است که باید سهم بیشتری بپردازد.

سازمان های بیمه گر سلیقه ای عمل می‌کنند

وی می‌افزاید: هر وقت هم که برخی از عوامل می‌خواهند دارویی را گران کنند، این دارو ها نایاب می‌شوند و بعد از گران شدن، دوباره دردسترس قرار می‌گیرد. از سوی دیگر برندهای سازمان های بیمه گر از تحت پوشش قراردادن داروهای این حوزه که گران قیمت هم هستند، سرباز می‌زنند و در این باره کاملاً سلیقه ای عمل می‌کنند. بیمار باید بارها برای تأیید دارو به بیمه مراجعه کند تا شاید بتواند برای دارو تأییدیه بگیرد و از بیمه استفاده کند. خود من وقتی می‌بینم وضعیت اقتصادی بیمار چندان مساعد نیست و بیمه مناسبی هم ندارد، تا حد امکان مصرف داروی گران قیمت را که حتی ممکن است تأثیر بیشتری هم برای او داشته باشد، توصیه نمی‌کنم؛ چون می‌دانم این دارو را نمی‌تواند تهیه کند و در کنار مشکلات بیماری، باید مشکلات روانی و حسرت تأمین دارو را هم داشته باشد. کم نیستند افرادی که به دلیل گرانی یا کمبود یک دارو، عزیزان خود را از دست داده اند و همیشه این زجر و حسرت را دارند که اگر هزینه تأمین دارو را داشتند، عزیزان آن ها هنوز در کنارشان بودند. البته برخی از همکاران هم این گونه عمل نمی‌کنند و دارویی را که تشخیص می‌دهند مؤثر است توصیه می‌کنند و البته بیمار هم در تهیه آن با مشکل مواجه می‌شود.

گزارش

نیاز بیماران سرطانی به مثلث «همراه خوب»، «روحیه» و «پول»

محسن یکی از پیشکسوتان ورزشی مشهد است. او که چند سالی می‌شود با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کند و به قول خودش در این زمینه با تجربه شده است. می‌گوید: از سه سال پیش تاکنون که درگیر سرطان شده ام، انواع داروهای مختلف را تجربه کرده ام. شروع بیماری ام با سرطان روده بود و بعد از آن نیز یکم درگیر شد. مجبور به پیوند کبد شدم و اکنون هم مشغول شیمی درمانی هستم. او سه عامل را برای غلبه بر سرطان بیان می‌کند و می‌گوید: یک بیمار سرطانی باید سه عامل «همراه خوب»، «روحیه» و «پول» داشته باشد تا بتواند بر این بیماری غلبه کند. من بیماران زیادی را دیده ام که به دلیل کمبود هر کدام از این سه عامل نتوانسته اند درمان خود را ادامه دهند و هر کدام از این سه عامل هم در جای خود بسیار مهم است. اما وقتی موضوع هزینه های درمانی مطرح می‌شود، این موضوع شکل دیگری پیدا می‌کند.

مشکلات گران درمان

محسن هزینه های بالای دارو و کمبود آن را یکی از مهم ترین مشکلات بیماران سرطانی می‌داند و می‌گوید: مشکلات بیماران سرطانی در موضوع دارو، شامل تهیه دارو و هزینه های داروست. کم نبوده اند بیمارانی که توان خرید داروی خود را نداشته اند و از ادامه مسیر درمان منصرف شده اند. من همین دو ماه پیش که مشکل ریوی پیدا کردم، برای انجام برخی آزمایش ها حدود ۵۴ میلیون تومان پرداخت کردم. تأمین این گونه مبالغ غالباً برای افرادی که مبتلا به بیماری هستند،